

سفر نامه

چون کوه در دل جنگل‌های گیلان استوار است:

قلعه رودخان



آرزو احمدزاده، راهنمای طبیعت‌گردی

بعد از مدت‌ها دوباره قرعه به نام قلعه رودخان افتاد بود و ما خوش‌حال از دوباره دیدنش. قلعه رودخان را همیشه دوست داشته‌ام، چرا که اولین است و اولین‌ها همیشه در ذهن جاودانه‌اند. اولین سفر ما به منطقه در فصل زمستان بود و مسیر قلعه کاملاً پوشیده شده بود از برف. فاصله زیادی تا قلعه نداشتیم اما تا آن‌دو برف فرو رفته بودیم، برودت‌هاو بالا بود و با این برف فکر کردیم قطعاً مسیر بر گشت پر خطر خواهد بود. پس تصمیم به بازگشت گرفتیم و این تنها باری بود که داخل قلعه نرفتیم. در راه بازگشت به فومن چشممان به هتلی چوبی افتاد و شب را در همان هتل اسکان کردیم. در آن‌هوای سردهیچ چیز جز غذای دلچسب‌شمالی نمی‌چسبد و رستوران هتل غذای خوبی هم داشت، به قول قدیمی‌ها یخ‌مان باز شد. هر طور که حساب می‌کنم این سفر خاطره‌انگیزترین سفر قلعه رودخان است. چون نمی‌دانم چطور شد که یکی از دوستان فکر کرد جای کفش‌های من در سرویس بهداشتی اتاق امن‌تر است و کفش‌هایم را درست زیر شیر آب گذاشت و شیر هم تا صبح در کفش‌های من چکه کرد. صبح با کفشی مواجه شدم که آب درونش را پر کرده بود و باز همان دوست عزیز تصمیم گرفت کفش‌هایم را جلوی بخاری خشک کند. گرم گفت و گو با تلفن شد و کفش‌هایم را سوزاند. حال دانستید که چرا این سفر با همه سفر‌ها البته بجز اولین سفر فرق دارد؟ زیاده‌گویی نکنم، بگذارید از قلعه برایتان بگویم: دژ رودخان یا قلعه حسامی نام قلعه‌ای است متعلق به دوره سلجوقیان که بر فراز ارتفاعات جنگلی شهرستان فومن در روستای رودخان ساخته شده و ۲۶ هکتار مساحت و ۶۵ برج و بارو و دیواری به طول ۱۵۰۰ متر دارد. برخی از کارشناسان، ساخت قلعه را در دوران ساسانیان و مقارن با حمله عرب‌ها به ایران دانسته‌اند. در دوره سلجوقیان این قلعه تجدیدبنا شده و از پایگاه‌های مبارزاتی اسماعیلیان الموت بوده‌است. بر روی کتیبه‌سر در ورودی قلعه که اکنون در موزه گنجینه رشت نگهداری می‌شود، درج شده که این قلعه در سال ۹۱۸ تا ۹۲۱ هجری قمری برای سلطان حسام‌الدین تجدیدبنا شده‌است.



سلطان حسام‌الدین دیاج فومنی اولین قدرت منطقه‌ای بود که از اطاعت از صفویان سرپیچی کرد، و قلعه رودخان را بازسازی کرد تا از آنجا به مقاومت بپردازد ولی موفقیتی به دست نیاورد و به دریند گریخت و در نهایت دستگیر و در تبریز اعدام شد. قلعه رودخان از دو بخش ارگ و قورخانه تشکیل شده‌است. ارگ در قسمت غربی این بنادر دوطبقه واقع شده و جنس آن از آجر است. قراول‌خانه‌ها در قسمت شرقی در دوطبقه با نورهای گاوروزنه‌های متعدد بر اطراف مسلط است. چشما‌ی نیز میان قلعه و گودترین محل آن وجود دارد. بخش شرقی قلعه شامل دوازده ورودی، زندان، درب اضطراری، حمام و آبریز گاه است. بخش غربی دوازده ورودی دارد، چشمه، حوض، آب‌انبار، سردخانه، حمام، آبریز گاه شاه‌نشین و چند واحد مسکونی که با برج و بارو محصور شده‌اند، دیگر بناهای این بخش را تشکیل می‌دهند. ۴۰ برج دیده‌بانی دور تا دور قلعه را احاطه کرده که اتاق‌های هشت ضلعی آن با طاق‌های گنبدی پوشانده شده‌است. دور تا دور دیوارها و برج‌ها روزنه‌هایی شیب‌دار دیده می‌شود که برای ریختن مواد مذاب و تیراندازی تعبیه شده‌اند. لازم است ذکر شود که در طول تاریخ قلعه، هیچ‌گاه دشمنی به آن نفوذ نکرده و نتوانسته آن را فتح کند.

پله‌های ورودی قلعه که تمام شد و وارد قلعه شدید، چشم‌هایتان را به‌ندید تا صدای همه‌همه سربازان، شلیک گلوله‌ها، فریاد فرماندهان و ناله زخمی‌ها را بشنوید. این دژ کماکان استوار است.



سرمایه‌ای عظیم که در آستانه نابودی است

باغ‌های ایرانی، بهشت خداوند روی زمین

ایرانیان در گذشته مردمانی بسیار باهوش، دانا و البته خلاق بودند که بسیاری از اعتقادات، باورها، امیال و رویاهایشان را عینیت می‌بخشیدند. یکی از این موارد باغ‌های ایرانیست. ساختار متفاوت این باغ‌ها و نوع معماری به کار رفته در آن‌ها، این آثار را کاملاً متمایز جلوه می‌دهد و هنر و هوش معماران ایرانی را به رخ می‌کشد. تصور کنید مردمانی وجود داشتند که در اقلیم خشک و کویری ایران به بهشت فکر می‌کردند و آن را برای خود خلق کردند! بهشت‌هایی که در پناه سایه‌سار درختان بلند قامت ساخته شده‌اند و با وجود کویری بودن منطقه، از میان این بهشت‌ها آب‌های روان جاری ساختند. در ادامه به باغ‌های ایرانی، بهشت خدا روی زمین می‌پردازیم...



نیکا دهدار، راهنمای گردشگری

ایرانیان از دیرباز به ساختن باغ‌ها و باغچه در حیاط و اطراف بناها علاقه خاصی داشتند، در نوشته‌های مورخان یونانی نزدیک به ۳۰۰۰ سال پیش، پیرامون خانه‌های بیشتر ایرانیان را باغ‌ها احاطه کرده و باغچه‌هایی را که در اطراف بنا می‌ساختند بهاره‌دشه می‌نامیدند که به معنای پیرامون دژ یا دیس بود. دیس به معنی بنا و کسی را که دیس می‌ساخت، دیسا یعنی بنا می‌خواندند. نمونه‌ای از این باغ‌ها، پردیس تخت جمشید است که خشایارشا در هنگام شمردن بناهایی که ساخته از آن نام برده‌است. واژه پردیس به معنای بهشت، در زبان عربی فردوس و در زبان‌های دیگر به پارادایز (به معنی محوطه محصور و مدور باغ) نامیده می‌شود. بهشت یا وهشت به معنای بهترین زندگی است و این بهشت به شکل باغی سبز، خرم و زیبا مجسم می‌شده‌است. ما برای این مفهوم واژه جنت، فردوس، بهشتیا رضوان را به کار می‌بریم. در فارسی قدیم واژه پالیز نیز همین معنا را داشته ولی امروز فقط به مزرعه خربزه اطلاق می‌شود. همانطور که فردوسی می‌گوید و از آنجا به پالیز بنهاد روی. بعدها واژه باغ سرای در ادبیات ایران جای پردیس را گرفت. پالیز که احتمالاً تغییر یافته همان پردیس است بیشتر به مزرعه خربزه اطلاق شد.

در زبان فارسی باستان از کلمه پاریدائزه به معنی حصار که برای نامیدن نوعی از باغ که محصور است، استفاده می‌شده‌است. همین واژه در بسیاری از زبان‌ها ریشه دوانده‌است برای مثال واژگانی همچون پردیس (فارسی)، پارادنیسوس (یونانی)، پردس (عبری)، فردوس (عربی) و پارادایز (انگلیسی) از کلمه پاریدائزه ریشه می‌گیرند. در گذر زمان کلمه پاریدائزه از فارسی میانه (پهلوی) حذف شد و کلمه bāy (در تاجیکستان امروز bāg)

جای آن را گرفت و در سده‌های بعد در فارسی نو، واژه باغ جایگزین واژه پیشین شد. ایرانیان تصور ذهنیشان را از بهشت که به پاداش اعمال نیک به آن‌ها می‌بخشیده‌اند، در باغ‌هایی سرسبز و خرم تجسم بخشیده‌اند. در بهشت کوثر هست و درختان و گل‌ها و جویبارها، و در باغ نیز آب روان و گل‌های زیبا و درخت‌هایی که می‌توان در سایه آن‌ها آرمید و این محصور در دیواری است که مانع ورود جهنمیان به آن می‌شود.

در زبان فارسی نو، کلمه‌های بسیاری به عنوان مترادف باغ وجود دارد. همچون: گشن، گلستان، بوستان، بنستان. متأسفانه برخی از پژوهشگران همچون ویلبر آمریکایی و اوانلسوی ایرانی بدون بررسی ریشه کهن کلمه باغ، ریشه این واژه را از عربی دانسته و معتقدند که از دوره سلجوقی وارد زبان فارسی شده‌است.

تاریخچه باغ‌های ایرانی

بسیاری از پژوهشگران، پاسارگاد را کهن‌ترین باغ ایرانی می‌دانند. آن‌ها استدلال‌های محکمی برای این نظر خود دارند، یافته‌هایی مانند حوضچه‌ها، جوی‌ها و تک بناهایی که در محدوده باغ سلطنتی (هخامنشی) وجود دارد.

از طرفی برخی پژوهشگران دیگر شاهد قدیمی‌ترین باغ ایرانی را درفش شهداد می‌دانند! این درفش در سال ۱۳۴۸ در کاوش‌های باستانی در شهداد کرمان کشف شد و قدیمی‌ترین درفش برنزی جهان است که قدمت آن بین ۳۵۰۰ تا ۳۲۰۰ سال قبل از میلاد تخمین زده شده‌است. بر روی این درفش در مقابل الهه، تصویر ۳ زن وجود دارد. در زیر این نقوش باغ مستطیل شکلی مورد توجه است که در آن درخت خرما رویده‌است. اگر کمی بیشتر به نقوش توجه کنیم درون ۱۰ مربع باغ دایره‌هایی را مشاهده می‌کنیم که می‌تواند نشانی از فواره باشد.

در دوره قاجار به باغ‌سازی در تهران توسعه یافت اما این باغ‌ها

بیشتر به درباریان اختصاص داشت. ساختار باغ‌های ایرانی

باغ ایرانی نوعی خاص از معماری و ساختار باغ و کاخ‌سازی می‌باشد. این باغ‌ها بر پایه معماری و عناصر تشکیل دهنده آن از جمله ساختار هندسی، آب، درختان، کوشک میانی و غیره عمدتاً در فلات ایران و مناطق پیرامونی متأثر از فرهنگ آن رواج داشته‌است. باغ ایرانی سه ساختار و طراحی منحصر به فرد دارد: اول در مسیر عبور جوی آب قرار دارد. دوم، محصور است با دیوارهای بلند و سوم در داخل باغ عمارت تابستانی و استخر آب قرار دارد. این سه مشخصه باغ‌های ایرانی را متمایز می‌کند. باغ ایرانی با تاریخ پیدایش قنات پیوند دارد و اولین باغ‌های ایرانی در مسیر خروجی قنات‌ها شکل گرفته‌است. نمونه این گونه باغ‌ها را می‌توان در طبس، یزد، گناباد، و بیرجند و اکثر مناطق کویری دید. یکی از مشخصه‌های باغ ایرانی عبور جوی آب در داخل باغ هست که معمولاً در این باغ سراهادر وسط باغ استخر و یک عمارت یا ساختمان تابستانی وجود داشته‌است. بعضی باغ‌ها به صورت چهارباغ بوده و آب را در ۴ مسیر عبور می‌داده‌اند.

باغ‌های ایرانی را با در زمین‌های مسطح ایجاد می‌کردند و باغ‌های دشتی بودند یا در زمین شیبدار، که امکان می‌داد باغ را با آبشارها و درخت‌های بیشتر، زیباتر ساخت. مانند باغ تاج‌نظر، باغ شاهزاده ماهان و باغ تخت شیراز. در باغ ایرانی توجه خاصی به شکل‌های هندسی می‌شد و شکل مربع که فاصله بین اجزاء باغ را ساده و روشن نشان می‌داد از اهمیت خاصی برخوردار بود. برای کاشت درخت، نخستین گام، دقت در تعیین فاصله محل کاشت از هر طرف بود و بدین ترتیب مربع‌هایی شکل می‌گرفت که از هر طرف می‌توان ردیف درختان را دید. در این باغ‌ها علاوه بر عمارت یا کوشک اصلی بناها، سردر هم بود که در حقیقت بیرونی باغ یا محل پذیرایی محسوب می‌شد.

در میان کثرت باغ ایرانی معمولاً گیاهانی می‌کاشتند که زیاد بلند نشوند و همیشه سبز و زیبا باشند. برای ایجاد سایه، در این باغ‌ها از درختان سایه‌افکن استفاده می‌شد. در دو خیابان دو طرف میان کثرت یا آبنا، برای کمک بیشتر به ایجاد سایه، گذرگاه‌های باغ‌ها را با ریزک‌تر انتخاب کرده تا سایه درختان دو طرف همه سطح گذرگاه را بپوشانند و به این ترتیب دالان سرپوشیده‌ای از درختان می‌ساختند. درختانی که معمولاً کنار خیابان‌های باغ، در محور اصلی، می‌نشانند سرو، کاج و نارون، یا سرو و کاج و چنار، یا سرو و کاج و ارغوان بود.

جایگاه گل‌ها در باغ در پای درختان بود. گل‌هایی کاشته می‌شد که خاصیتی داشته باشند، هم از عطر آن‌ها استفاده می‌شد و هم از گلبرگ هایشان حلو و مربا درست می‌کردند و برخی از آن‌ها خاصیت دارویی داشتند. بنه‌گاه زمینی بود مربع مستطیل یا گرد که نشیمن تابستانی در کنار درخت‌های کهن بود. در کنار این نشیمنگاه گل ابریشم و نسترن معطر یا خرزهره به خاطر دفع حشرات می‌کاشتند.

ساختار این گونه باغ‌ها بر اساس طرح و نقشه متغیر است. عوارض طبیعی جلودار معماران ایرانی نبوده و آن‌ها بر اساس این عوارض همچون شیب زمین ۳ نوع باغ در ایران را بنا نهاده‌اند:

الف) باغ‌های مسطح و کم شیب مانند: باغ چهلستون قزوین.

ب) باغ‌های شیبدار که زیبایی آن‌ها سرازیر شدن آب از بخش‌های بالایی باغ به پایین آن است. مانند: باغ شاه‌ده‌ماهان.

ج) باغ‌هایی که در ساخت آن‌ها عارضه‌های طبیعی چون آبگیر و جنگل به کار گرفته می‌شد. مانند: باغ عباس آباد.

اگر بخواهیم این گونه باغ‌ها را بر اساس نوع طرح و نقشه بررسی کنیم، می‌توان آن را به دو دسته کلی تقسیم کرد:

الف) باغ‌هایی که دو محور موازی اصلی دارند و خیابان‌ها و کوچه باغ‌های فرعی جابه‌جایی دو محور را با زاویه ۹۰ درجه قطع می‌کنند.

مانند: باغ دولت‌آباد یزد.

ب) باغ‌هایی که دو، سه، چهار محور مضاعف و موازی دارند که در مرکز باغ یکدیگر را قطع می‌کنند. مانند: باغ‌نظر شیراز.

یکی از مهم‌ترین ارکان باغ ایرانی، مرکز آن می‌باشد. مرکز باغ‌ها می‌تواند یک کاخ، بنای زیبا، بستر وسیع آب و یا ترکیبی از این‌ها باشد. معمولاً چهار نهر به مرکز باغ که قلب آن است، متصل می‌شوند و باغ را به چهار قسمت تقسیم می‌کند و به این ترتیب الگوی چهارباغ نیز شکل می‌گیرد. کوشک و ساختمان باغ در جایی با بهترین چشم‌انداز ساخته می‌شود، کوشک‌ها عموماً بناهای مرتفع و برون‌گرا هستند و تکمیل‌کننده تمام این زیبایی‌ها، عنصر آب است. معماران ایرانی به زیبایی هر چه گام‌تر آب‌ها در دل این باغ‌ها تمسک برده‌اند و در اکثر باغ‌ها جوی آب از طبقه زیرین کوشک سرچشمه گرفته و پس از ورود به حوض روبروی آن در کل باغ جاری می‌گردد. در نهایت بحث اصل تقارن را نیز نباید در این ساختار خاص فراموش کنیم. معمولاً کوشک‌های ساخته شده متقارن هستند و اوج قرینه سازی را می‌توانید در محورهای اصلی باغ مشاهده کنید. درختان و گیاهان نیز به دقت و قرینه در اطراف

گذرگاه‌های باغ کاشته می‌شوند.

انواع باغ‌های ایرانی

اگر بخواهیم باغ ایرانی را دسته بندی کنیم به دو نوع باغ ایرانی برمی‌خوریم:

۱) باغ – آرامگاه

۲) باغ – کوشک

در مورد باغ‌های نوع اول می‌توان گفت که ساختار معماری این نوع باغ‌ها و عناصر و نمادهای استفاده شده همچون طرح ۸ ضلعی برای آرامگاه، کاشت درختان سرو و .. اشاره به بهشت دارد.

از این گونه باغ‌ها می‌توان به آرامگاه کوروش در پاسارگاد و آرامگاه کریم خان زند در باغ‌نظر اشاره کرد.

باغ‌های نوع دوم اغلب توسط پادشاهان، درباریان و دولتمردان برای استفاده‌های شخصی ساخته می‌شدند.

نقش آب در معماری باغ ایرانی

ایران از دیرباز کشوری خشک و کم‌آب بوده‌است اما با ایجاد تکنولوژی‌های تاریخی استفاده از آب‌های زیر زمینی، آب از نقش حیاتی‌اش پا فراتر گذاشت و خود را در جایگاه هنر و معماری دید!

استفاده از آب در باغ به شکل جوی، حوض، استخر و فواره‌ها هر کدام نشان از تسلط انسان به بخشی از طبیعت است. خشکی و کم آبی ایران باعث اهمیت آب و منزلت و قداست آن در دین زرتشتی را می‌توان مشاهده کرد.

در باغ‌های ایرانی آب به وسیله جوی‌ها و حوض‌ها نقش ایجاد یک محیط آرامشبخش را دارد. این محیط آرامش بخش به وسیله آبناها و فواره‌ها از زیبایی افسون‌کننده‌ای نیز برخوردار می‌گشت.

عملکرد آب در معماری تنها به این موارد ختم نمی‌شود، انعکاس نور در آب مانند آینه عمل می‌کند و زیبایی باغ، پوشش گیاهی و... را یک بار دیگر در آب‌های حوضچه‌ها و استخرهای می‌توان مشاهده کرد.

نقش آب در تابستان‌ها هم بسیار چشمگیر است. فواره‌های باغ در روزهای گرم و خشک تابستان، باعث افزایش رطوبت می‌شود و فضای فرح‌بخشی را ایجاد می‌کند.

انعکاس باغ ایرانی

در نقوش فرش‌ها

فرش و ساغ ایرانی نمونه‌های فوق‌العاده‌ای از تجلی هنر ایرانیان می‌باشد و ترکیب این دو، اثرات زیبا و غنی از فرهنگ ایران را به نمایش می‌گذارد.

باغ‌ها معمولاً طوری بر روی فرش‌ها بافته می‌شوند که گویی به عنوان فرد ناظر از بالا به آن نگاه می‌شود و کناره‌های فرش گویی دیوارهای محصور کننده آن هستند.

باغ‌های ایرانی در دیگر

کشورها

باغ ایرانی فقط در داخل مرزهای جغرافیایی ایران محدود نمانده و به حوزه تمدن ایرانی و فارسی وارد شده‌است. یکی از بهترین نمونه‌های باغ ایرانی در خارج از ایران آرامگاه همایون در دهلی و نسخه کپی شده از آن در تاج محل در اگرای هندوستان است.

باغ‌های ایرانی ثبت شده

در یونسکو

باغ ایرانی به عنوان سیزدهمین اثر ایران در فهرست میراث جهانی یونسکو در سال ۲۰۱۱ میلادی ثبت شده‌است که در شماره بعدی به باغ‌های موجود در این فهرست خواهیم پرداخت...